

آثار بازیافته زبان خوارزمی در توپراق قلعه (از بکستان)

نوشته سرگی پاولوویچ تالستوف^۱ (۱۹۷۶-۱۹۰۷)

ترجمه محسن شجاعی

سرگی پاولوویچ تالستوف در سال ۱۹۰۷ در سن پترزبورگ به دنیا آمد. وی از برجسته ترین ایران شناسان روس است که به گونه کاملاً تخصصی به پژوهش درباره خوارزم باستان پرداخته بود. در سال ۱۹۴۲ در تاشکند از پایان نامه دکترای خود با عنوان خوارزم باستان دفاع نمود که پس از تکمیل در سال ۱۹۴۹ جایزه نخست آثار علمی از سوی حکومت شوروی بدان تعلق گرفت. تالستوف از سال ۱۹۴۵ تا سال ۱۹۷۰ سرپرست هیئت اکتشافی باستان شناسی - قوم شناسی خوارزم بود و تا پیش از درگذشتش در سال ۱۹۷۶ بیش از ۱۰۰ اثر بنیادین از خود بر جای گذاشت.

مطلب زیر که در آن به قرائت و ترجمه برخی متون خوارزمی یافت شده در توپراق قلعه پرداخته می شود، ترجمه صفحات ۲۱۲-۲۰۷ از جلد دوم مجموعه انتشاراتی است که با عنوان مشترک گزارشهای هیئت اکتشافی باستان شناسی - قوم شناسی خوارزم^۲ در طول تقریباً ۴۰ سال منتشر می شد و تا سال ۱۹۷۰ ویراستاری آن بر عهده تالستوف بود. توپراق قلعه که در این گزارشها از آن به عنوان شهر خاموش (*мертвый город*) نام برده شده، بازمانده مجموعه کاخ ویران شده ای واقع در شمال شرق خیره در ساحل راست رود آمودریا، در جمهوری ازبکستان است که کاخ شاهان خوارزم در سده سوم میلادی و پیش از برآمدن آفریغ بوده است. (مترجم)

1. Sergei Pavlovich Tolstov

2. *Труды Хорезмской археолого-этнографической экспедиции. II*, под общей редакцией С. П. Толстова. Москва: Академия наук СССР, 1958.

در گوشه جنوب شرقی ساختمان، در اتاقهای کاملاً ویران طبقه دوم، ظاهراً بایگانی کاخ قرار داشته است، زیرا در بخشهای مجموعه انبار جنگ افزار در سال ۱۹۴۸ نیز اسناد باستانی خوارزمی یافت شده بود (تالستوف ۱۹۴۹: ۲۶۱-۲۶۰). در سال ۱۹۴۹ از این گونه اسناد در دو اتاق دیگر هم به دست آمد. بنابراین همه اسناد یافت شده در چهار بخش دیده شدند، اما هیچ جا آنها در حالت اولیه نبودند، بلکه به شکلی بودند که از روی آن می توان گمان برد اسناد از طبقه بالا به اینجا منتقل شده بوده اند.

در یکی از اتاقها در سال ۱۹۴۹ شش متن روی چوب، از آن جمله دو تخته بزرگ که درازای یکی ۳۰ سانتیمتر و دیگری ۳۶ سانتیمتر بود، یافت شد که به ترتیب ۲۲ و ۲۶ سطر از یک متن بسیار سالم مانده روی آنها نوشته شده بود. جدا از آن، در گوشه یکی از اتاقها خم سفالی بزرگی یافت شد که احتمالاً آن نیز از بالا به این اتاق منتقل شده بوده است. در ته این خم مجموعه بزرگی از اسناد نوشته شده روی پوست به دست آمد که بسیار آسیب دیده بود.

در مجموع با لوحهای چوبی مکتوب و نیز یافته های سال ۱۹۴۸، ما کلاً در حدود ۱۴۰ سند در اختیار داریم که از آنها ۱۲۲ سند بر روی پوست است. متأسفانه اکثر نوشته های روی پوست بسیار آسیب دیده اند. بخش بزرگی از آنها تنها به شکل نقشهایی بر روی گل انبوه لابه لای طومارها باقی مانده است. فقط هشت نوشته بزرگ بر روی خود پوستها باقی مانده بود. اما همه ۱۸ متن روی چوب بسیار خوب حفظ شده اند.

بدین ترتیب دست کم ۲۶ سند را می توان نسبتاً به آسانی خواند؛ در مورد بقیه اسناد ضروری خواهد بود که در جهت بازسازی آنها و انجام امور آزمایشگاهی - عکسبرداری همچنان تلاشهای پرمه ای انجام گیرد. رمزگشایی آنها تنها پس از خواندن نسخه های گروه اول که خوب حفظ شده اند، امکان پذیر خواهد بود.

برآوردهای مقدماتی ما در مورد ویژگی این اسناد در سال ۱۹۴۸، (تالستوف ۱۹۴۹: ۲۸۱؛ نیز گزارشها ۱۹۵۲: ۴۴-۴۲)، با کاوشهای سال ۱۹۴۹ تأیید شد.

قرائت اکثر نشانه ها و ساختار متنها کلاً مشخص شده است؛ برخی پسوندها و حروف اضافه نیز شناسایی شده اند. بخش اصلی کار اکنون منحصر به بررسی واژگان شده است.

متنی که آن را منتشر می کنیم، بر روی یک لوح چوبی دسته دار (تصویر ۱) نگاشته شده که از نظر شکل یادآور لوحهایی است که در گذشته نه چندان دور در آسیای میانه برای سوادآموزی به کار می رفت. متن بسیار خوانا نوشته شده و، به استثنای چند خط، آسان خوانده می شود:



تصویر ۱

R (1) BW/ZM' T/SRK (2) T/SRK (3) B/P(?) W/ZG(?) RD(?) KY
'ZT/M (4) B/P(?) W/ZG(?) 'ZT/M (5) ' (واژه‌نما) (6) D/KBRN' (7)
M'MK (8) RWM'ZTK (9) D'DNŠK (10) 'BRM/TZK- - K (11) 'W(?)
BNW(?)SM/TK (12) 'RTŠW- -K (13) GZ/WRNK (14) M(?)W/Z(?)
R/DR(?)—R/ZK (15) M'MK (16) R'SR/DKW/ZK (17) ' (واژه‌نما) (18)
D/KBRN' ZK'W/ZR/D—H/Q (19) RKM(?) W(?) W(?)'NK (20)
MRŠBK.

متن، مانند بیشتر لوحهای چوبی، فهرست نامهای خاص اشخاص یا آبادیهایی است که همگی به پسوند نام ایرانی k- [ک] ختم می‌شوند. پاره‌ای از آنها ریشه‌شناسی روشن ایرانی دارند، مانند:

(8) RWM'ZTK - ریمج در خوارزمی سده‌های میانه (نقل شده از ابوریحان بیرونی ۱۹۲۳: ۶۸، ۲۷۶) - ارموزد؛ (12) نام ایرانی رایج که با آرته... آغاز می‌شود؛ (9) - دادن شک؛ (13) - گورنک؛ (14) - مرشَبک و مانند آنها.

بر روی بسیاری از لوحهای چوبی، در آغاز متن، کلماتی تکرار می‌شوند. اینها عبارت‌اند از کلمه اولِ سطرِ اول، آخرین کلمه سطرهای ۳ و ۴ (که در پایان سطرهای بعدی در برخی از نوشته‌های روی لوحها دیده می‌شود) با بسامدِ بیشتر، سطر ۵ و کلمات اول و دوم سطر ۱۸. در این میان، کلمه دوم سطر ۱۸ بی‌شک هُزوارشِ آرامی ZK است که یک ضمیر اشاره می‌باشد. آخرین نشانه کلمه سوم، یعنی H یا Q نیز تکرار می‌شود (Q تنها در هُزوارش‌های آرامی دیده می‌شود که احتمال [وقوع] آن در اینجا اندک است). احتمالاً کل سطر ۱۸ نیز در برخی از نوشته‌ها تکرار می‌شود، البته به جز کلمه سوم که در آن تنها آخرین نشانه یادشده تکرار می‌شود. سطرهای مکرر، ممکن است فرمولهای آغازِ فهرست و فرمولهای انتقال به فهرست دیگر باشند.

اولین کلمه BZM' یا BWM' است که احتمالاً در حالت اول دارای بن BZ است به معنای «باج»، و در حالت دوم دارای بن BWM به معنای «بوم»، «کشور» (شاید هم «استان»)، که احتمال آن به نظر من بیشتر است. می‌توان این احتمال را نیز مطرح کرد که B به ستاک تعلق ندارد، بلکه هُزوارشِ حرف اضافه «در»، «در سراسر» است. در این صورت بن ZM با همان معنای «زمین»، «کشور» محتمل خواهد بود. ایگور میخائیلوویچ دیاکونوف^۱ پیشنهاد می‌کند دومین کلمه سطر اول و تنها کلمه سطر دوم را HRK، به معنای «خراج»، بخوانیم؛ اما این نکته که این کلمه در هیچ یک از متنهای دیگر تکرار نمی‌شود، گواه رد نظر دیاکونوف است. من فکر می‌کنم که اینجا نیز، مانند بیشتر موارد، با یک نام خاص روبه‌رو هستیم، در کلمه آخر سطر سوم و چهارم (که به عنوان کلمه دوم در سطرهای گوناگون دیگر نوشته‌ها به فراوانی تکرار می‌شود)، اگر آخرین نشانه را M بگیریم، مفهوم نیست، اما اگر الفِ آغازی را پیشوند بن ZM' به شمار نیاوریم، همان معنای «زمین»، «کشور» به دست خواهد آمد. به نظر من محتمل‌تر است که حرف پایانی را T بگیریم (قس. T - ی پایانی در هُزوارش BSNT در متنهای روی پوست که در زیر خواهد آمد، به ویژه دومین متن) و آنگاه واژه کاملاً شناخته‌شده ما - «آزاد» به دست خواهد آمد (البته، بدون الفِ

۱. وظیفه خوشایندی می‌دانم که سپاس خود را به دلیل تذکرات ارزشمندی که در مورد تلاشهایم در رمزگشایی این متن و متنهای دیگر ارسال شد، به آleksandr Arno'dovich Freiman [Aleksandr Arno'dovich Freiman]، عضو وابسته فرهنگستان علوم اتحاد شوروی و نیز به ایگور میخائیلوویچ دیاکونوف [Igor' Mikhailovich D'iaconov] و ولادیمیر آرونوویچ لیف‌شیتس [Vladimir Aronovich Livshits] ابراز دارم.

دوم رایج در سُغدی). تنها کلمه سطر ششم و کلمه اول سطر هجدهم یا هزوارش آرامی KBR، به معنای «بزرگ خاندان یا طایفه» است، که احتمال آن ضعیف است، یا واژه ایرانی «دبیر». در اینجا احتمال هزوارش آرامی RBK، به معنی «کبیر»، «بزرگ» به همان معنای «بزرگ خاندان یا طایفه» را، که آن را از متون سُغدی می‌شناسیم نیز، نمی‌توان رد نمود. دیاکونوف و لیف‌شیتس، بدون اعتراض به قرائت «دبیر»، DWR یعنی dwar به معنای «در»، «دربار» را نیز در اینجا محتمل می‌شمارند. اما با وجود همه فریبندگی این قرائت، نشانه دوم تقریباً به یقین B است. برای N که در پایان کلمه قرار دارد، من مایل هستم احتمال پسوند جمع را نیز در نظر بگیرم که از خوارزمی سده‌های میانه آن را می‌شناسیم، هر چند احتمال اعتراضات جدی را درک می‌کنم. در کل تمایل من آن است که در این مرحله ساختار کلی نوشته را (البته به صورت فرضی) این گونه بازسازی کنم: «استان (زمین، کشور) A: A, B- آزاد است، C- آزاد است؛ دبیران (بزرگان، کلاً برخی منصب‌داران): D, E, F, G, H, I, J, K, L, M؛ دبیران (بزرگان)، آنان (که) N+ (پسوندها H): P, O».

اگر نتیجه تلاش در جهت درک این متن معتبر باشد، آنگاه در برابر ما فهرستی از نامهای برخی صاحب‌منصبان یک منطقه و آبادیهای زیر فرمان آنها قرار دارد که احتمالاً با وظایف شغلی جامعه‌ای مرتبط است که نام افرادی را که در سطرهای اول و دوم فهرست تکرار می‌شوند، بر خود دارد.

اما به همین میزان نیز محتمل است که این متن صورتهای خراج باشد، چنانچه بن اولین کلمه را BZ بخوانیم، و در DBRN بن ساخته شده از فعل dabar به معنای «دادن» را ببینیم که از متون سُغدی برای ما کاملاً آشناست. البته باید یادآور شویم که در خوارزمی سده‌های میانه ما فعل hibr (ستاک زمان حال) (فریمان ۱۹۵۱: ۲۱ و نیز ۱۸) را به این معنا داریم.

فرض اولیه ما را، دائر بر آن که نوشته‌های روی لوحهای چوبی را اسناد گاهشماری بدانیم، نیز نباید کاملاً مردود دانست. اما این نکته که نامهای خاص متقنی که در فرمول مورد تحلیل ما در بالا نمی‌گنجند، در این لوحها نیز تکرار نمی‌شوند، نشان‌دهنده خلاف این فرض است. استثنای آن نیز بسیار کم‌اند (مثلاً نام M'MK) در فهرست ما).

دیگر متنهایی که ما به انتشار آنها اقدام کرده‌ایم، ویژگی کاملاً متفاوتی دارند (تصویر ۲ و ۳). آنها بخشهایی از اسناد روزمره بر روی پوست هستند. نکته مهم آن است که هر دوی این متنها تاریخ دارند. سطرها و کلمه‌های حفظ شده اولین متن از آن دو تقریباً این گونه بازسازی می‌شوند:



تصویر ۲ و ۳

(1)/M/N ... (2) /X/III III (3) MN M... - ... (4) X III I.... (5) MN-
 (6) X III-...- (7) MN TWP (?)P(?)... (8) XX III II (9) MN
 DW/GNM' ... (10) XX III II (11) MN 'BP(?)' (?)... (12) MN MRG'-
 ... (13) MN RYTMR (14) MN TW(?WT) W/Z' (?)NP(?)Z(?)K/(?)..
 (15) MN YK/RRŠMK T/SN X- (16) MN 'BZ 'WBRN T/SN X (17)
 /M/N BKP(?)N(?) T/SN X (18) /B/ŠNT IIC XXX(?)II YH(?)YG
 (19)... T(?)WR-Š(?)N 'LD'MN/G (20)-IIC

این متن به روشنی فهرستی از دریافتی‌های اخذ شده از افراد گوناگون است که نام آنها به خط کج‌نویس تحریری نوشته شده که با خط لوحهای چوبی تفاوتی، هر چند اندک، دارد. سطرهای ۱-۱۰ یک در میان با هزوارش MN- «از» آغاز می‌شوند که پس از آن نامهای خاصی می‌آید که به سختی خوانده می‌شوند، اما در بیشتر موارد ویژگیهای روشن ریشه ایرانی دارند؛ و هر یک از سطرها بعدی گروهی عددنگار دربردارد که نشانه‌های رایجی برای گروه خطوط آرامی هستند. در

سطرهای ۱۱ تا ۱۴ این ترتیب منقطع می‌شود - ظاهراً عددنگارها در اینجا به دنبال نامهای واقع در بخش از میان رفته هر یک از سطرها قرار داشته‌اند. از سطر ۱۵ تا ۱۷ ساختار به گونه دیگری است. سطر با همان هزوارش MN آغاز می‌شود، اما پس از نام [ی-خاص] کلمه TN نگاشته شده است. TN از یک سو نشان دهنده شمارگر کاملاً شناخته شده‌ای بر پایه زبانهای آسی و فارسی است که در شمردن افراد، و به ندرت، حیوانات به کار می‌رود و معنای اصلی آن «بدن» است (لیف شیتس در اینجا SN- با توجه به soen - آسی به معنای «شراب» را ترجیح می‌دهد) و از سوی دیگر نشان دهنده عددنگار ۱۰.

این احتمال وجود دارد که در سطرهای بیشتر آسیب دیده سمت چپ نگارش TN باقی نمانده باشد، زیرا در پایان سطر قرار داشته است. چنانچه قرائت ما از TN- (شمارگر) «تن»، «کس»، درست باشد، آنگاه در برابر ما فهرستهایی از نام کسانی قرار دارد که احتمالاً بنا بر وظائف حرفه‌ای یا نظامی، از سوی جوامع یا افرادی معرفی می‌شوند. شاید این فهرست تعداد افرادی باشد که زیر دست اشخاص نامبرده در فهرست‌اند. گرد بودن اعداد متن این فرض را تأیید می‌کند: عددنگارهای موجود در سطرهای به شدت آسیب دیده بالا، احتمالاً ۱۵ هستند، در سطرهای هشتم و نهم - ۲۵، در سطر پانزدهم، احتمالاً باز ۱۵، و در سطر شانزدهم و هفدهم - ۱۰. جمع کلی که در سطر آخر، یعنی سطر بیستم، آمده است، برابر عدد کاملاً گرد ۲۰۰ است. جمع ما از روی سطرهای سالم مانده ۱۳۰ است، طبیعتاً باقی مانده را باید مربوط به چهار سطر ۱۱ تا ۱۴ دانست که در آنها عددی از میان رفته‌اند. عددهای باقی مانده نیز، احتمالاً همان عددهای یاد شده در دیگر سطرها هستند: ۱۰ و ۲۵ (هر کدام دو بار).

سطر هجدهم به خصوص جالب است که این گونه آغاز می‌شود: «در سال (BŠNT) - هزوارش آرامی) دویست و دو...». این نخستین متن تاریخ‌دار مجموعه ماست. روی هم چهار سند تاریخ‌دار به دست ما رسیده است. اما عددنگارهای روی یکی از آنها از میان رفته است. دومین بخش سند روی پوست که آن را منتشر می‌کنیم، این گونه خوانده می‌شود:

BŠNT IIC XX XI (2) RS(?) NY BRZDT' TN- - - (3) MN- - - ' (?) R (?) Z-
 (4) ŠX (?) - - - - (5) - - - - -

و بخش سالم مانده را می‌توان این گونه ترجمه نمود: «(۱) در سال ۲۳۱ (۲) دریافت کرد (؟) قس. آسی: raisin «دریافت کردن»، raisoen «دریافت» (برزادات^۱ (۳) از - - - - (۴) - - - - (۵) - - - -». ۱. برزادات یک نام رایج ایرانی است که هم بدین شکل و هم به صورت و ززادات شناخته شده است، به خصوص در میان نامهای شاهان اشکانی ارمنستان، قس. (یوستی ۱۸۹۵: ۶۳، ۳۴۹-۳۴۸).

تاریخهای سه سند، زمانی میان سالهای ۲۰۷ و ۲۳۱ را نشان می‌دهند، یعنی اگر دوران این اسناد را با «دوران شاک» یکی بدانیم، زمانی مابین سالهای ۲۸۵ و ۳۰۹ میلادی به دست می‌آید. و اگر این نکته را در نظر بگیریم که بر مبنای مجموعه اطلاعات باستان‌شناختی و تاریخی ما پیشتر به این نتیجه رسیده بودیم که پایان روزگار کاخ توپراق قلعه مصادف با زمان حکمرانی پایه‌گذار دوران خوارزم نو، یعنی آفریغ است که آغاز فرمانروائی او به گفته ابوریحان بیرونی مصادف با سال ۳۰۵ میلادی بوده است، آنگاه گمان نمی‌رود نظر ما در تعیین تاریخ این اسناد را که آن را «دوران شاک» دانسته‌ایم، بتوان مورد تردید قرار داد.

در این مورد ما نمی‌توانیم با بازنگری در نظر رایج در مورد یکی بودن «دوران شاک» و «دوران کانیشکا» موافق باشیم که در سالهای اخیر از سوی گیرشمن و مارشال مطرح شده است (گیرشمن ۱۹۴۶: ۹۹ و بعد؛ مارشال ۱۹۵۱: ۷۱، ۸۵ و صفحات دیگر).

اکنون می‌توان قرائت بیشتر نشانه‌های الفبای خوارزمی را تثبیت شده دانست؛ الفبایی که، همان‌گونه که ما در نخستین انتشار این آثار یادآوری نمودیم، نزدیک به [الفبای متون] اورامانی (ما) اکنون اضافه می‌کنیم، نیز به [الفبای متون] نسایی است، اما از نظر برخی ویژگیها با آنها متفاوت است. هر نشانه، به ویژه در لوحهای چوبی و به خصوص در مورد R، K، D که باید یادآوری نمود معمولاً در الفباهای دارای ریشه آرامی به سادگی با یکدیگر اشتباه گرفته می‌شوند، نگارش خاص خود را دارد. قرائت نشانه‌های P و S نیازمند تصریح است، نشانه‌هایی که با در نظر گرفتن تاریخ دوران بعدی زبان خوارزمی، می‌بایست در خط جایگاه برجسته‌ای داشته باشند، اما هنوز به میزان کافی روشن نیستند.

زبان اسناد بی‌شک یک زبان ایرانی بوده است، نیای زبان خوارزمی سده‌های میانه در قرون ۱۳-۱۴ میلادی [۸-۷هـ.]، که آثار آن را در دوران اخیر فریمان و دیگر دانشمندان بررسی می‌کنند. (رک. آثار فریمان: ۱۹۲۷، ۱۹۳۹، ۱۹۴۰، ۱۹۵۱).

کتابنامه

- Толстов, С. П., 1949. "Хорезмская археолого-этнографическая экспедиция АН СССР 1948 г.", *Изв. АН СССР, сер. истор. и филос.*, № 3.
- Труды, 1952. *Труды Хорезмской археолого-этнографической экспедиции. I*, под общей редакцией С. П. Толстова. Москва: Академия наук СССР.

- Фрейман, А. А., 1927. "Согдо-хорезмийские диалектологические отношения", *Советское востоковедение*, IV.
- Фрейман, А. А., 1939. "Хорезмийский язык", *Уч. зап. Ин-та востоковед. АН СССР*, VII.
- Фрейман, А. А., 1940. "Образование прошедшего времени в хорезмийском языке", *Уч. зап. ЛГУ*, 60.
- Фрейман, А. А., 1949. "Артикль в хорезмийском языке". *Советское востоковедение*, VI.
- Фрейман, А. А., 1951. *Хорезмийский язык. Материалы и исследования*. I, М.-Л.
- Al-Bêrûni, 1923. *Chronologie orientalischer Völker*. Herausg. von Ed. Sachau. Lpz.
- Ghirshman, R., 1946. Bégam. *Recherches archéologiques et historiques sur les Koushans*. Caire.
- Justi, F., 1895. *Iranisches Namensbuch*. Marburg.
- Marshall, J., 1951., *Taxila.*, I Cambridge.





مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی